

۱۹ بهمن

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۹ - تیرماه ۱۳۸۲



دستگیری های گسترده، نشانی از هراس حکومت!

دستگیر و به زندانهای رسمی و سیاهچالهای مخفی منتقل گشتند.

رژیم جمهوری اسلامی در جریان دستگیریهای گسترده بعد از تظاهرات توسط نیروهای امنیتی در بسیاری از موارد طبق معمول قوانین ضدخلقی خود را نیز زیر پا گذارد. در موارد متعددی، مزدوران ساواک رژیم، فعالین دانشجویی را در کوچه و خیابان ربوده و برای بازجویی و شکنجه به نقاط نامعلوم منتقل کردند. رژیم بحران زده جمهوری اسلامی در حالیکه بشدت از دامنه رشد یابنده اعتراضات توده ای و چشم انداز آنها بیمناک است، در جریان تهاجم اخیر برای حفظ نظام ضد خلقی خود به هر گونه جنایت و وحشیگری دست یازیده است. به گونه ای که آتش خشم رژیم در مواردی حتی "تر و خشک" را نیز با هم سوزانده است. در چارچوب این شرایط است که ما شاهدیم که چگونه جریانات اخیر تعدادی از "فرزندان نور چشمی ها" نیز از آتش خشم دستگاه سرکوب در امان نمانده اند و تنی چند از "خودی ها" نیز در میان

ادامه در صفحه ۳

فریادهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "مرگ بر دیکتاتوری" سر می دادند و با شعارهای مختلف، طبقه حاکم را تهدید به مبارزه قهر آمیز و برداشتن سلاح میکردند. خودداری نکرد.

نیروهای سرکوبگر چه در لباس نیروی انتظامی و چه در هیات مزدوران لباس شخصی با حمله به مردم و دانشجویان و هجوم به خوابگاه های دانشجویی و ویران کردن هست و نیست دانشجویان هرآنچه در جنایت آفرینی و رذالت پیشگی در چنته داشتند، بر معترضین روا کردند. تا آنجا که حتی در ضرب و شتم چهار دانشجوی نابینا در طرشت و غارت وسایل اندک آنها نیز تردیدی به خود راه ندادند. تمامی این فجایع در حالی صورت می گرفت که مقامات رژیم از هر دو جناح، به تهدید و ارباب توده ها پرداخته و آنها را "آشوبگر"، "ضد انقلاب"، "محارب" و ... می خواندند و دست در دست یکدیگر میکوشیدند تا

زمینه قلع و قمع شدیدتر آنها را فراهم آورند. در چهارچوب چنین شرایطی بود که بلافاصله پس از فروکش کردن موج اعتراضات، مقامات رژیم جمهوری اسلامی یورش گسترده ای را بمنظور دستگیری دانشجویان و مردم معترض در سراسر کشور سازمان دادند. در جریان این یورش،

هزاران تن از مردم و بویژه دانشجویان و جوانان در شهرهای تهران، اصفهان، ارومیه، تبریز، همدان، سبزوار، شاهین شهر، خمینی شهر، مشهد، یزد، قم و ... توسط مزدوران وزارت اطلاعات و امنیت

بگیر و ببندهای گسترده و سرکوب دامنشانه موج جدید جنبش دانشجویی - مردمی، که بمدت ۱۰ روز در تهران و شهرستانها خواب را از چشم سردمداران جمهوری اسلامی ربود، یکبار دیگر برده از شرایط بحرانی جامعه برداشت و خوف و هراس بی پایان حکومت از توده های بجان آمده و به پا خاسته را به نمایش گذارد. از هم اکنون جلادان رنگارنگ جمهوری اسلامی عزم خود را برای زهر چشم گرفتن از مردم مبارز جزم کرده اند و از زبان خامنه ای فریاد می زنند "هیچکس حق ندارد رحم و شفقتی نسبت به دستگیر شدگان انجام دهد" به دنبال این عربده کشی ها آیت الله یزدی هم با اتکاء به سخنان "رهبر" جمهوری اسلامی در نماز جمعه تهران ضمن "محارب" خواندن دستگیر شدگان فریاد سر داد که "طبق فرمایش رهبری با بی رحمانه ترین وضع با اینها برخورد کنید." معنای چنین تهدیداتی در عمل همانا صدور جواز رسمی برای تشدید فشار و اعمال شکنجه های هر چه وحشیانه تر در مورد جوانان و مردمی است که در جریان اعتراضات اخیر توسط مزدوران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی شکار شده و به سیاهچالها منتقل شده اند.

این عربده کشیها در شرایطی صورت می پذیرد که حکومت در جریان ۱۰ شبانه روز اعتراضات گسترده مردمی از کاربرد هیچ عمل سرکوبگرانه ای بر علیه توده ها که در کوچه و خیابان و دانشگاه قاطعانه تر از هر زمانی

* بحران اقتصادی

صفحه ۲

در آمریکا

صفحه ۴

* اخبار

* سریازان انگلیسی و

پرونده های تجاوز به زنان کنیایی!

* زندان "ابوغریب" توسط امریکا

راه اندازی شد

* اعتصاب کارگران سیمان

* کشف منابع نفتی جدید

* تشکیل اتحادیه آفریقا



بحران اقتصادی در آمریکا

خدمات بهداشتی و پزشکی که در اختیار شهروندان قرار می‌داده اند را تماماً قطع کرده‌اند. معنای این عمل آن است که اگر فرد فقیری در این ایالتها بیمار شود و یا نیاز به عمل جراحی داشته باشد و نتواند هزینه آن را پرداخت کند، باید تن به مرگ بدهد!

قطع و کاهش بودجه‌های خدمات عمومی در سراسر آمریکا در شرایطی صورت می‌پذیرد که سرمایه‌داران زالو صفت در آمریکا و دولت حامی آنها، به گونه‌ای بیسابقه به تقویت و تسلیح ماشین سرکوب و افزودن بر هزینه‌های نجومی نظامی سیستم پرداخته‌اند. در شرایطی که آمریکا ۱۴ میلیون بیکار دارد و برخی از مدارس به علت کمبود و قطع بودجه تنها ۴ روز در هفته باز هستند و در شرایطی که مراکز خدمات تحقیقی و پزشکی یکی پس از دیگری به علت کمبود و قطع بودجه تعطیل میشوند، دولت بوش ماهانه ۴ میلیارد دلار صرف اشغال و تجاوز به عراق میکند. در این حال طی ماه جاری سنای آمریکا طرح بوش را به اتفاق آرا برای افزایش بودجه و اختصاص ۳۶۹ میلیارد دلار به وزارت دفاع، پنتاگون تصویب رساند. همین مجلس با ۹۱ رای موافق و بدون هیچ رای مخالفی لایحه بودجه ۹ میلیارد و ۱۹۶ میلیون دلاری موسوم به "بازسازی ارتش" آمریکا به منظور "حفظ کیفیت تاسیسات نظامی آمریکا در سراسر جهان" را نیز به تصویب رسانید. اختصاص چنین بودجه‌های کلانی برای تشدید تسلیح ماشین جنگی آمریکا و یا بازسازی آن در حالیهست که این کشور دارای بزرگترین و مخوف‌ترین ارتشها و سلاحهای مرگبار بوده و همه تایید می‌کنند که برغم دروغ‌پردازیهای مقامات آمریکایی، قدرت بلا منازع نظامی این کشور از سوی هیچ دولت و یا قدرت خارجی دیگری در معرض تهدید نیست. در حقیقت تا سال ۲۰۰۲ یعنی قبل از تصویب بودجه‌های نجومی اشاره شده، که به بهای کاهش و قطع سرویسهای مورد نیاز مردم آمریکا صورت گرفته، آمریکا در مجموع ۵۰ درصد تمامی هزینه‌های نظامی در جهان که بالغ بر ۸۵۰ میلیارد دلار است را به خود اختصاص داده بود. برای درک بهتر این آمار باید اشاره کنیم که تنها با بخش کوچکی از این رقم، دولت آمریکا می‌تواند ریشه بیکاری و فقر و گرسنگی را نه تنها در خود آمریکا بلکه در بخش بزرگی از جهان برای همیشه بر کند.

در چارچوب حاکمیت چنین اوضاعی است که به اعتراف کارشناسان اقتصادی، تنها در بین سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ بین ۱۰ درصد از خانواده‌های ثروتمند آمریکایی و ۲۰ درصد از خانواده‌هایی که با حد اقل در آمد زندگی میکنند "شکاف بسیار بزرگی" بوجود آمده است. در حقیقت بحران اقتصادی سالهای اخیر و اقدامات ضد خلقی سرمایه‌داران و دولت آمریکا برای انتقال بار کمرشکن این بحران بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش، زندگی هزاران هزار نفر از مردم را بزیر خط فقر سوق داده است و این در حالی است که عده قلبی از سرمایه‌داران زالو صفت با استفاده از چنین شرایطی ثروتهای هر چه بیشتری را به جیب زده‌اند.

گسترش دامنه بحران اقتصادی جاری در آمریکا یکبار دیگر موید این اصل صحیح مارکسیستی است که بحران اقتصادی و تجلیات خانه خراب کن آن نظیر رکود، بیکاری، تورم و فقر، ذاتی روند تکامل نظام سرمایه‌داری و بطور مشخص سلطه امپریالیسم در دوران کنونی است. برغم تمامی سفسطه‌جویی‌های مبلغین و عاشقان سینه چاک حاکمیت سرمایه، اوضاع اقتصادی در پیشرفته‌ترین کشور های سرمایه‌داری و بطور مشخص در آمریکا نشان میدهد که نظام سرمایه‌داری

امپریالیسم آمریکا در غرقاب یکی از وخیم‌ترین بحران‌های اقتصادی چند دهه اخیر دست و پا می‌زند. کسری بی سابقه بودجه، رسوایی‌های مالی و ورشکستگی پی در پی صنایع تولیدی، رشد سرطان وار بیکاری و اخراج‌های وسیع کارگران و زحمتکشان آمریکایی، کاهش وحشتناک و قطع بی رحمانه بودجه‌های مربوط به خدمات عمومی و سرویس‌های اجتماعی که زندگی میلیون‌ها تن از مردم آمریکا به آنها وابسته است و بالاخره رشد سرسام‌آور شکاف بین سطح زندگی یک اقلیت ناچیز با اکثریت جامعه، از نشانه‌های ملموس وضعیت بحرانی اقتصاد در آمریکا است. کشوری که از سوی سرمایه‌داران و جیره‌خواران بورژوازی برای مردم جهان به عنوان "مدل ایده آل اقتصادی" و "بهشت سرمایه‌داری" معرفی می‌شد امروز بنا به اعتراف کارشناسان اقتصادی نظیر "ریچارد فری من" با بحرانی روبروست که "در ۵۰ سال اخیر بی سابقه بوده است". همین مقام اضافه می‌کند که در صورت تداوم حرکت دولت بوش در "مسیر" جاری، "دولت وی به طور کلی ورشکسته خواهد شد".

آمار منتشره از سوی کارشناسان اقتصادی در آمریکا در مورد اوضاع اقتصادی در این کشور گرچه تمامی حقیقت را بیان نمی‌کنند اما به نوبه خود گوشه‌ای از وضعیت اقتصادی بحرانی جاری در آمریکا را به نمایش می‌گذارند. مطابق این آمار در سال مالی ۲۰۰۳ (سال مالی در آمریکا از اول اکتبر تا پایان سپتامبر سال بعد محاسبه می‌گردد) کسری بودجه آمریکا نسبت به سال ۲۰۰۲ باز هم افزایش یافته و به رقمی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. مطابق اظهارات مارشا بیکر، سردبیر اقتصادی هفته‌نامه "ریویو" در ایالت ویرجینیای آمریکا، برغم آنکه دولت میزان بیکاری را رسماً ۶/۱ درصد اعلام کرده "مطالعات هفته‌نامه ما و دیگر موسسات اقتصادی نشان می‌دهد که نرخ واقعی بیکاری ۱۲ درصد است". هم‌اکنون در آمریکا حدود ۱۴ میلیون تن از مردم بیکارند که این آمار در ۹ سال اخیر بی سابقه بوده است. تنها در ۶ ماه اخیر، ۱/۵ میلیون نفر به ارتش ذخیره کار در آمریکا اضافه شده است. درست چند روز پس از انتشار این اخبار، شرکت هواپیما سازی بوئینگ آمریکا، یکی از دو شرکت بزرگ هواپیما سازی در جهان اعلام کرد که در صدد است تا ۴ تا ۵ هزار تن دیگر از کارکنان خود را اخراج کند. با عملی شدن این اخراج‌ها، در واقع این شرکت بین سال‌های ۲۰۰۱ تا پایان ۲۰۰۳ تعداد کارمندان خود را از ۹۳ هزار به نصف رسانده است. علاوه بر نرخ بالای بیکاری، هم‌اکنون نرخ تورم نیز به شدت در حال رشد است. در بخش‌های اساسی نظام یعنی مسکن، انرژی، هزینه تحصیل و ... نرخ تورم بین ۱۰ تا ۱۵ درصد است و "کنترل" این روند به تأیید برخی از کارشناسان حتی از دست دولت نیز "خارج" شده است.

از سوی دیگر بدهی‌های دولت در سطح دولتی بسیار بالاست. از مجموع ۵۰ ایالت آمریکا هم‌اکنون بیش از ۴۰ ایالت با کسری بودجه و بدهی مواجهند. مطابق گزارشات منتشره، میزان بدهی ایالت کالیفرنیا که بزرگترین و پر جمعیت‌ترین ایالت امریکاست به ۳۰ میلیارد دلار بالغ میشود که قادر به پرداخت آن نیست. معنای این بدهی‌ها کاهش و قطع بسیاری از سرویسهای ضروری و اولیه مورد نیاز مردم در زمینه‌های بهداشت، آموزش و پرورش، مزایای اجتماعی و ... خواهد بود که در نتیجه آن زندگی میلیون‌ها تن دیگر از کم‌درآمدترین اقشار زحمتکش آمریکایی به زیر خط فقر سقوط خواهد کرد. هم‌اکنون دولت‌های محلی در بعضی از ایالتها فقیر آمریکا نظیر جورجیا و می‌سی‌سی‌پی، برخی از



انحصاری بدلیل رشد ناموزون و ناعادلانه اش، بدلیل بی برنامه‌گی اقتصادی اش، و مهمتر از همه بدلیل آنکه ساختار آن صرفاً بر مبنای استثمار طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم و کسب مافوق سود و غارت منابع و ثروتهای جوامع وابسته آنهاست. با اتکا به قهر و ارتجاع محض استوار گشته، همواره دچار تناقضات درمان ناپذیری است که نتیجه آن وقوع بحرانهای اقتصادی ادواری و بی دربی با تمامی عواقب خانه خراب کن آنهاست. پس از هر دوره باصلاح رونق و شکوفایی که عمر آن کوتاه تر از دوره های قبلی است بار دیگر توقف رشد اقتصادی که حاصل عدم سود آوری سرمایه گذاری است در ابعادی وخیمتر نمود یافته و بحران رکود با شدتی بیش از گذشته تار و پود موجودیت سرطانی این نظام ضد خلقی را در هم مینوردد. امپریالیسم آمریکا هم اکنون با چنین شرایطی مواجه است.

در واکنش به این بحران دولت بوش بجای رسیدگی به اوضاع نابسامان اقتصادی که بویژه در سالهای اخیر حیات و هستی اکثریت جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان آمریکایی را درنور دیده، به تشدید غارت و استثمار و سرکوب آنان

برای مقابله با بحران دست یازیده و در همان حال بطرز بیسابقه ای به تجهیز ماشین جنگی خویش پرداخته تا در سطح بین المللی با توسعه میلیتاریسم، جنگ افروزی و کسب بازارهای جدید و همچنین با اعمال کنترل مطلق خویش در بازارهای موجود، شیره جان خلقهای تحت ستم را هر چه بیشتر بمکد و با تشدید غارت ثروتها و نیروی کار توده ها در کشورهای وابسته و نومستعمره، خونی تازه را در رگهای پیکر فرتوت نظام امپریالیستی و اقتصاد آمریکا جاری کند. جنگ افروزی با آفریدن دشمنان موهوم و یا به بهانه پوچ مبارزه با تروریسم و کشتار مردم محروم افغانستان و عراق و نابودی ساختارهای اقتصادی این جوامع و تداوم تهدید و عربده کشی های جنگ طلبانه بر علیه جهانیان جوهر برنامه های ضد خلقی دولت آمریکا برای بیرون آمدن از گرداب بحران اقتصادی کنونی در این کشور است. اما در ورای این قدر قدرت نمایی ها اگر بدقت به اوضاع امپریالیستها و بحران نظام آنها بنگریم علایم گسترش یابنده انحطاط اجتناب ناپذیر یک قدرت میرنده ضد خلقی را با وضوح تمام مشاهده می کنیم.

دستگیری های گسترده...

(ادامه از صفحه ۱)

انبوه "غیر خودی ها" دستگیر شده اند. به گونه ای که این امر سر و صدای حتی برخی از "انجمنهای اسلامی" و سایر تشکل های دانشجویی دارای مجوز قانونی در تهران و شهرستان ها را هم در آورده و آنها لیست افرادی را منتشر کرده اند که در جریان دستگیری های اخیر "ناپدید" شده اند. قربانیانی که وزارت اطلاعات و امنیت رژیم از دستگیری آنها اظهار بی اطلاعی می کند. به عنوان نمونه خبرنگار امیرکبیر، گزارش داده است که یکی از دانشجویان به نام مهدی امین زاده عضو شورای مرکزی تشکیلات موسوم به دفتر تحکیم وحدت پس از خروج از حسینیه ارشاد و پس از آنکه همسرش توسط "اسپری افراد ناشناس" بیهوش شد، روده شده و به مکان نامعلومی انتقال یافت. همچنین نماینده رژیم در اصفهان نیز طی نامه ای به رئیس قوه قضائیه، از "نحوه" دستگیری پسرش و چند تن از دانشجویان دیگر شاکی شده و رسماً از آن به عنوان یک "شبه آدم ربایی" توسط افرادی که خود را "منتسب به دادستانی" معرفی کرده، اسم برده و اضافه کرده که این عمل "جلوی چشمان خود من" صورت گرفته است.

دامنه دستگیری ها در همان چند روز نخست آتچنان گسترده بوده که مقامات جمهوری اسلامی در زندانهای رسمی خویش جایی برای پذیرفتن افراد بیشتر نداشته اند. تا جایی که بنابه گزارش سایت موسوم به "رویداد" تنها در زندان اوین حدود "چهار تا پنج هزار تن از دانشجویان و جوانان کم سن و سال" نگهداری می شوند و "بسیاری از

زندانیان نیز در راهروها و خارج از سلولها "به سر می برند. مسئولان سیاهچال اوین به علت آنچه که "نا توانی در رسیدگی به حجم بالای بازداشت شدگان" خوانده اند، از مقامات جمهوری اسلامی خواسته اند تا افراد جدیدی را به این زندان نفرستند. مطابق همین گزارش "غیر از بندهای عادی، کلیه بندهای متعلق به وزارت اطلاعات و سپاه مملو از دانشجویان و جوانان بازداشت شده" گشته است. در این حال مزدوران حکومت، دستگیر شدگان را در معرض وحشیانه ترین رفتارها قرار داده و از اعمال هیچگونه خشونت و جنایتی در حق آنها دریغ نورزیده اند. در ارومیه بازداشت شدگان زیر شدیدترین شکنجه های روحی و جسمی قرار گرفته اند که آنها را تنها می توان با شکنجه ها و رفتارهای وحشیانه مزدوران رژیم در جریان دستگیری های سال ۶۰ بر علیه مبارزین مقایسه کرد. به طور مثال در سیاهچالهای جمهوری اسلامی در این شهر زندانیان را از تونل باطوم رد می کنند و از گاز لفل بر علیه آنها استفاده کرده و از هیچگونه توهین و هتک حرمتی در حق آنها در جریان بازجویی ها خودداری نورزیده اند. نظیر همین رفتارهای وحشیانه با شدتی کم و بیش در تمام زندانهای کشور بر علیه دستگیر شدگان جریان داشته است.

در این شکی نیست که مقامات جمهوری اسلامی با دستگیری هزاران تن از مردم در سراسر کشور و ربودن فعالین جنبش اخیر، با شکنجه معترضین و "محارب" خواندن آنها و با تهدید به "اعدام" دستگیر شدگان و جار زدن آن در بلندگوهای خود، در درجه نخست می کوشند تا فضای رعب و خفقانی شبیه به سالهای ۶۰ را بر جامعه و به ویژه بر روحیه جوانان حاکم کنند. اما

این تمام قضیه نیست. گستردگی دستگیری ها و نمایش بی پروای دیکتاتوری و سرکوب و شکنجه و زندان از سوی حکام جمهوری اسلامی بر علیه قربانیان خویش نمایانگر یک واقعیت دیگر هم هست. جمهوری اسلامی با توجه به اوضاع بحرانی خود از افزایش پتانسیل جنبش های اعتراضی در سالهای اخیر، که هر بار به رغم سرکوب آنها با خواسته های رادیکال تر و در صفوف گسترده تری به ویژه با شرکت فعال جوانان نمود پیدا می کند به شدت بیمناک شده است. مقامات جمهوری اسلامی برغم تبلیغات فریبکارانه خویش که تنها برای "مصارف بیرونی" سازمان می یابد، بخوبی می دانند که دلیل حضور هزاران نفر در جنبش سرنگونی طلبانه در خیابانها تحركات "مشتی اوباش" و یا "تحریک نیروهای خارجی" نبوده و نیست. در نتیجه آنها از احتمال وجود ارتباط های فعال و تشکیلاتی در بین فعالین این جنبش و به ویژه ایجاد محفل های مبارزاتی در بین جوانان به هراس و خوف افتاده اند. دستگیری هزاران جوان و اعمال بی حد و مرز خشونتها و سرکوب گری ها در روزهای اخیر نمایانگر وحشت و عزم دیکتاتورهای حاکم به منظور یافتن هرگونه سرنخی از احتمال وجود چنین تشکلهای مبارزاتی و نابودی آنهاست. اما واقعیت این است که این رفتار ضد خلقی از جنبه دیگر خود نمایان گر گسترش روحیه وحشت و عدم اطمینان و بی فرجامی در میان گردانندگان حکومت است. بر تمامی انسانهای آزادیخواه و نیروهای انقلابی است که ضمن درک این واقعیت و با پشتیبانی از ندای حق طلبانه جنبش انقلابی مردم ایران، مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان اخیر را به هر گونه ای که می توانند گسترش بخشند.



سربازان انگلیسی و پرونده های تجاوز به زنان کنیایی!

با صدور اجازه رسمی از سوی وزارت دفاع انگلیس به صدها زن کنیایی برای اقامه دعوی بر علیه سربازان این کشور به خاطر "سوء استفاده جنسی"، رسوایی مربوط به گوشه ای از رفتارهای ضدانسانی و وحشیانه نیروهای انگلیسی مستقر در کنیا از پس پرده بیرون افتاد.

به گزار روزنامه "دیلی تلگراف" در اواسط تیرماه، بیش از ۶۵۰ زن کنیایی ادعا کرده اند که در بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲ "به طور پیاپی" مورد "تجاوز جنسی" سربازان انگلیسی مستقر در کنیا قرار گرفته اند. به گزارش این روزنامه شمار زیادی از این زنان به صورت "گروهی" و "بی رحمانه" مورد سوء استفاده های جنسی سربازان بریتانیایی قرار گرفته اند.

بنابه گفته "مارتین دی" وکیل انگلیسی این زنان که در کنفرانسی که توسط سازمان عفو بین الملل برگزار شده بود سخن می گفت، شمار قربانیان تجاوزات ممکن است از مرز هزار تن نیز بگذرد و "بیش از ۴۰ تن از این قربانیان هم اکنون دارای فرزندانی با "ظاهری کاملاً انگلیسی" هستند.

مقامات وزارت دفاع انگلیس که تحت فشار افکار عمومی مجوز گشوده شدن این پرونده ها را صادر کرده اند در مورد این تجاوزات سکوت اختیار کرده و تنها از زبان یکی از مقامات این وزارت خانه اعلام کرده که "آنچه مسلم است این است که براساس اظهارات تمامی شاکیان، این سوء استفاده های جنسی نمی تواند امری اتفاقی باشد."

شایان ذکر است که مطابق مقاله "دیلی تلگراف" سربازان بریتانیایی در طول این سالها اجازه داشته اند تا "بدون کسب هرگونه مجوز" رسمی گاه و بیگاه وارد منازل مردم کنیا در مناطق مرکزی این کشور شوند. با توجه به چنین "مجوزی" زنان بی دفاع این مناطق "بارها و بارها" قربانی مطامع جنسی سربازان انگلیسی گشته اند.

زندان "ابوغریب" توسط امریکا راه اندازی شد

در حالی که نیروهای اشغالگر امریکایی و متحدانش به طور روزمره مشغول سرکوب اعتراضات توده ای در عراق هستند، اعلام شده است که زندان مخوف "ابوغریب" در بغداد نیز دوباره توسط امریکا راه اندازی شده و مردمی که توسط ارتش امریکا دستگیر می شوند، به این زندان منتقل می گردند. پیش از سرنگونی صدام این سیاهچال مرکز نگهداری، شکنجه و کشتار مخالفین سیاسی و توده های معترض و ناراضی از دیکتاتوری حاکم برعراق و به همین اعتبار یکی از سمبل های جنایت و تبهکاری رژیم ضدخلقی عراق بود. هم اکنون نیز نیروهای اشغالگر که با ادعای "آزاد سازی" مردم عراق، این کشور را به زور اشغال کرده اند پیش از آنکه حتی نیازهای اولیه مردم گرسنه و تحت فشار عراق را برآورده کنند به باز سازی زندانها و از جمله راه اندازی سیاهچال "ابوغریب" پرداختند. مطابق آمار منتشره هم اکنون سه تا چهار هزار تن از مردم عراق در سی زندان و بازداشتگاه در سراسر این کشور در بازداشت نیروهای متجاوز هستند.

اعتصاب کارگران سیمان

کارگران سیمان شمال که دائماً در معرض تنفس گرد و غبار قرار داشته و کار آنان به مثابه "مشاغل سخت و زیان آور" محسوب میشود، در روزهای ۲۵-۲۴ ماه جاری دست به اعتصاب زده و از بارگیری و فروش محصولات کارخانه جلوگیری به عمل آوردند. دلیل اعتصاب کارگران اعتراض آنان به طرح تامین اجتماعی بود که با ایجاد تغییراتی در نحوه باز نشستگی کارگران، گروهی از آنان را از لیست کارگران دارای مشاغل سخت و زیان آور خارج کرده است. این اعتصاب پس از آنکه مسئولین اداره بهداشت، اداره کار و تامین اجتماعی در محل حضور یافتند، بدون اخذ نتیجه ای به پایان رسید. "مسئولین" برای بررسی مجدد امور ظاهراً "قول مساعد" داده اند.

کشف منابع نفتی جدید

مدیر عامل شرکت مهندسی و توسعه نفت، ابولحسن خاموشی از کشف سه میدان بزرگ نفتی در اطراف بوشهر خبر داد. هر چند که هنوز ابعاد این مخازن معلوم نیست ولی کارشناسان وزارت

نفت از وجود ۳۸ میلیارد بشکه در این مبادین نفتی خبر داده اند.

تشکیل اتحادیه آفریقا

در روزهای شنبه و یکشنبه (۱۲ و ۱۳ جولای) در "مابوتا" پایتخت موزامبیک برای نزدیک کردن هرچه بیشتر ۵۳ کشور موجود در افریقا، نشست برگزار گردید. در خلال این نشست که با شرکت بیش از ۴۰ تن از سران کشورهای آفریقائی برگزار شد، سه تصمیم مهم گرفته شد. که عبارتند از: بر پائی چهار چوب مناسبی برای تجارت آزاد بین این کشورها، ریختن پایه های ارتشی مشترک برای جلوگیری از بروز درگیری های نظامی و یا جنگ بین کشورهای آفریقائی، تعیین رهبری برای این اتحادیه نوین. در حال حاضر رهبری اتحادیه به هیاتی به سرپرستی رئیس جمهور سابق مالی سپرده شد. جالب است که نیمی از اعضای این هیات را زنان تشکیل می دهند. رهبری "اتحادیه آفریقا" در سال آینده به عهده موزامبیک و رئیس جمهور این کشور گذاشته شده است.

از صفحه اشرف دهقانی بر روی

شبکه اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 208 - 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

